

کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی

خطی

۱۵۰۶۴

۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰
۵۱
۵۲
۵۳
۵۴
۵۵
۵۶
۵۷
۵۸
۵۹
۶۰
۶۱
۶۲
۶۳
۶۴
۶۵
۶۶
۶۷
۶۸
۶۹
۷۰
۷۱
۷۲
۷۳
۷۴
۷۵
۷۶
۷۷
۷۸
۷۹
۸۰
۸۱
۸۲
۸۳
۸۴
۸۵
۸۶
۸۷
۸۸
۸۹
۹۰
۹۱
۹۲
۹۳
۹۴
۹۵
۹۶
۹۷
۹۸
۹۹
۱۰۰

۱۲۰۰۶

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب: تالیف: در علم جینی

مؤلف: نجفی بن محمد (۱۲۹۱ - ۱۳۰۶) - کربلای

مترجم: ۱۲۹۱ - کربلای

شماره قفسه: ۱۵۰۶۴

شماره ثبت کتاب: ۹۰۵۷۸

جمهوری اسلامی ایران

۱۲

۱۲۰۰۶

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب: تالیف: در علم جینی

مؤلف: نجفی بن محمد (۱۲۹۱ - ۱۳۰۶) - کربلای

مترجم: ۱۲۹۱ - کربلای

شماره قفسه: ۱۵۰۶۴

شماره ثبت کتاب: ۹۰۵۷۸

جمهوری اسلامی ایران

۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰
۵۱
۵۲
۵۳
۵۴
۵۵
۵۶
۵۷
۵۸
۵۹
۶۰
۶۱
۶۲
۶۳
۶۴
۶۵
۶۶
۶۷
۶۸
۶۹
۷۰
۷۱
۷۲
۷۳
۷۴
۷۵
۷۶
۷۷
۷۸
۷۹
۸۰
۸۱
۸۲
۸۳
۸۴
۸۵
۸۶
۸۷
۸۸
۸۹
۹۰
۹۱
۹۲
۹۳
۹۴
۹۵
۹۶
۹۷
۹۸
۹۹
۱۰۰

۱۵۰۶۴
۹۰۵۷۸





بسم الله الرحمن الرحيم

حمد و ستایش سبحان ملا اعلیٰ ادا شده از آن عاجز آید و بگوید
و سپاسی که معجزات صبح با لاله در کفستان بتجسیر اعراف یابند
سرا و اساحت عرفا در یک ابرج و قایع ماضیه و حاضیه
منوط باراده و تقدیر اوست تصویر کی چندین اشکال مختلفه و صور معجزه
مربوط بنجایه شکل و قلم تصویر اوست بیت را با فکده قطره می
در قطره و رو قطره در شکله از آن قطره لولوی لا کند و ران می

سر و بالا کند و بعد صلوات و صلوات فایحات که نیم ریاض و وس
از راجحه معطر ان غایه سانی در یوره کند و تحت تسلیم طیب است که باد
روح اقرا ی بشتا طیب و یاج ان عطر امیری ستاره نماید بر
مقدس و مرقد نور شیخ روز محشر صاحب کله اما اول الاخریت

امام رسل پیش ای سبیل امین خدای جبریل طیبی که صرخ فلک طور

اوست همه نور مار تو نور اوست بر روان صبی جانشین او

علی ابن ابیطالب صلوات الله و سلامه علیه و عمرت احباب و با

ما بعد و زمان و لست سلطنت بنهار عادل با دل خسته بخت

و ششاه خورشید افروز و درون تحت ظلیه دان و از جهان با

اسم امان ارشاد ملک سلیمان السلطان ابن السلطان ابن السلطان

جهان خدای خدایه ناصر الدین شاه و ملت بیاضه بودل شعار

شمسی که بخاطر نور و دستور کشیده خضی خضر چ کسب و دارا

شکر که از خضر قاجار فرود ایدان اقدار و قیمت مقدار معلوم

اکاه و صا جان بصیرت اید بود که در عهد سلطنت این خضر و حیا کوا

بارگاه تاج و چه درجه آسودگی رفایست بجه خلائق و روز و مک

سیر است که سرگاه کتب تاریخ را ملاحظه کند و باویده بصیرت

فرماید شکر نعمت الهی اسب قدوم و بخت پادشاه حیا و بجا می اید

که در مملکت ایران خلائق این سال چقدر نبینوات ماضیه

و فارغ البال میباشند و این اوقات شریفه که تعویض امور

مملکت ایران بکف نهایت جاب استطاب اجل کرم اعظم حاجی میرزا

سید

حسینان شیرالدوله العلیه العالیه و در جنگ عظم سپهسالار اعظم و ام

اقباله العالی موضوع مرجع می باشد و توجه خود را مصروف بظلم و پر

امور نظام سیر مایند و دارای هر علم و صنعتی السوفی رغب می

بخصوص خانه را دان ولسا بدست می کشد و راریت و تکمیل می

چو آب نیل که سطلی از شود و مخطوط و لی قطعی سوره در بودار

از جمله خانه را دان ولسا قیوکت پادشاه بختی این مرحوم حاجی

باو جان بکری قاجار که چندین سال در مدرسه دارالفنون تحصیل علوم

یاد و نظام اشتغال نموده و کتابهای که متعلق بعلوم و ادب و

می باشد بسیار عالیجاه و بجا می باشد و از انی معلوم علم یاد و نظام

تحصیل و ترجمه و تصحیح نموده و فواید کلی بجه کلیه سپاه دار و پیش

خافانی بود **فصل اول** در سان ردوزون لازم است ملاحظه کرده شود
 اولاً اردو در اوچه محل در چه مکان قرار داد بعد از این محل اردو
 ملاحظه کرده می شود و در اوچه محل که نگاه بشکری باید خوب باشد
دوم زمین که در مقابل اردو میباشد باید سطح باشد بقدر تیررس بود
اعلاسم باید در اطراف عقب اردو تخته کاهی باشد اریل سواغایست
چهارم باید چگونگی مدافعه نمود در وقت حمله دشمن **پنجم** باید ملاحظه نمود
 اردو را باید از زمین بلند و برزگی که کچی محل **ششم** باید که نگاه
 طوری باشد که باسانی مدورفت شود بار دو **هفتم** باید محل اردو
 قسمی باشد که باسانی محل و تفل اردو و شکر اتوان نمود و باید ملاحظه
 کرد محل اردو را نسبت به دمان حیوانات **اول** محل اردو را باید

جانی قرار داد که خوش آب و هوا باشد که بواسطه بدی آب هوا
 ضرری به دمان حیوانات اردو نیاید **دوم** نزدیک آب باشد **سیم** از
 باطلاتی دور باشد **چهارم** نزدیک بخکی باشد فصلستان را با محل
 میرم تجمه شکران **پنجم** نزدیک بجای باشد تجمه محل از وقت چهار پامان
 اریل کاه و جو و غیره محل اردو می لشکر را باید در جانی قرار داد که
 از هر است که نوره خالی نباشد بقدر توجه و یافت شدن مکان
 غفلت نورزند و چمن که محل اردو در جانی اتع باشد که بیع
 مذکور به بطور سهولت عاید شود لاکرین اسطه ان محل ضوون دشمن
 بتواند دست سب بار و برساند ان محل ان طرومات مذکور
 کلیه بمصرف است نمی توان ان محل توقف نمود و نیز بمصرف است

محل که آب داشته باشد لکن باندک زمانی خشک شود و کفاف
 زمان مطلوب را نداند نباید توقف نمود محل اردو را جانی باید
 که محفوظ باشد از سر دشمن تا بوسیله حمله دشمن نمانیم و عقب
 نشینیم و گدازگاه لشکر را باید تفران بسیار زد و در سر کدزگاه
 قرار دادن مسجد باید باشد و سرگاه کدزگاه لشکر خنجر یک راه باشد
 از قبیل پل سنگ لازم است قرار دادن مسجد که نگاه داری سنگ
 پل نماید و نگذار دشمن از آن معبر عبور نماید پس قلع
 مذکور لازم دارد و اطراف اردو و خنجر قرار بفاصله دو
 قدم یا سیصد قدم گذاشته شود که این خنجر نامیده میشود و خنجر
 پیشتر اول در صورتیکه اردو را در بنبند از قبیل پیشتر

دند باید در اطراف سه خنجر پیشتر اول قرار داد و محل
 قرار اول باید در جانی بود که مرتفع باشد و بلند تر از سایر جاها
 که بتواند اطراف خودشان مشاهده نماید اگر قرار دادن
 مذکور به نتیجه حمله سوار دشمن نمانیم داشته باشد باید قلعه قور
 کوچک نتیجه خودشان بسیار تا بواسطه این قلعه تاب مقاومت
 در مقابل سواره دشمن بماند قرار دادن دشمنی اند پاورند و
 قرار دادن و راز و در میان تملی اردو بدون چادر
 در طریقه قرار دادن اردو باید اردو به قدر خود و اندک
 خط دشمنان باشد و خط دشمنان بر قوسی باید پوشیده باشد
 بواسطه اردو و خنجر دشمن محاکمه خط دشمنان بر باطلایان

باید اردوی ایشان هم بهمین فاصله باشد قاعده کلیه ار بر آن
 نگاه داشتن فاصله و شتاب هر باطلایان اردو که از برای
 توپخانه و سواره و پیاده تعیین شود باید بقدر مقدار و مناسب
 وقت قرار داد اردو را در یک خط و در دو خط و در اطراف
 که همیشه همیشه و میسر و قشون باشد سواره و از عقب قشون پست
 سرگاه محل اردو در جایی باشد مثلاً در قسمتی که آن مقطع شده است
 بواسطه رودخانه یا باطلای غیره در این صورت اردوی پیاده
 در جلو سواره و از عقب پیاده در صورتی که زمین سطح باشد
 چادرها لازم است که در یک خط باشد و محاذی یکدیگر اندازد
 اردو گرفته میشود و از سمت است پست قشون اردو در آن قریب باشد

قریب طو مار بندی فوج فاصله خط و شتاب سواره و پیاده
 باید چاه زرع باشد و فاصله چاه سربازان در پیش روی
 اردو و فوج و شان باشد بقا فاصله ده زرع میانین رقب سربازان
 چادر نیز باشد بقا فاصله پانزده زرع و چادر سلطانان رقب
 میانین بقا فاصله پانزده زرع و چادر باید کار و بروی یکدیگر
 باشد سرچ شش فوج از سربازان و شان اردو قرار میدهند
 بجهت خط اردو و فوج و شان تکلیف مشق اول اردو بواسطه بخر
 مشق اول باید پوشیده شود خط اردو و مشق اول باید سبک
 داشته باشد و زیاده و کمی اردو در فاصله سرچ قشون
 باید فاصله مشق اول هم زیاده تر باشد تا خط قشون

هرگاه قشون کم تر باشد باید فاصله پیش قی اول هم کمتر باشد
 حاصبت پیش قی اول باید همیشه سوار و چالاک باشد بجهت این که
 قشون دشمن را حمله نماید و تا آنکه جمع اردو آنها در جنگ شوند در
 صورتی که محل اردو در چمن یا جانی سطح باشد پیش قی اول مرکب است
 از پیاده و سواره لکن سواره باید زیاد تر از پیاده باشد و در صورتی
 محل اردو در زمین سطح یا در چمنی باشد که بواسطه رودخانه یا غره
 آن محل معطوف شده باشد در این صورت پیش قی اول مرکب است
 از پیاده و سواره لکن باید پیاده زیاد تر باشد از سواره و اگر
 محل اردو کوه یا تپه باشد جمع پیش قی اول باید از پیاده باشد
 بدون سواره باید معطوف بدین پیش قی اول و چنانچه دشمن را

از سر دشمن بواسطه درخت یا سنگ یا چیز دیگر و پیش قی اول معصوم
 بر سه قسم قی اول بزرگ قی اول پیش قی اول تکلیف قی اول
 قی اول بزرگ لازم است که محلی بجهت خودشان تعیین نمایند که بواسطه
 آن محل محفوظ از سر دشمن شود قی اولان بزرگ نامور می نمایند
 قی اولان بزرگ را در پیش رو چنانچه دشمن فاصله دو دست قدم
 و قی اولان بزرگ بواسطه قی اولان بزرگ پیش قی اولان بزرگ جمعیت
 قی اول بزرگ را داشته باشند و قی اولان بزرگ بواسطه قی اولان
 بزرگ مستند قی اولان بزرگ را میفرستند پیش روی خودشان به
 فاصله که اقتضا نماید و این قی اولان که نامیده میشود قی اولان
 جدید باید خودشان محافظت کنند از سر دشمن نسبت بدخت

یا سبک یا غیره و باید این قراولان چند متعه و نوشیار باشند
 که کسی از قشون شمشیر اندازد فاصله ایشان بکند و داخل اردو
 شود باید قراولان کور و مخبر باشند از حالت یکدیگر بواسطه که
 بخصوص در شب پیش قراولان باید محل پیشی اول رک را بداند
 که بدون حسد و رفت بر قراولان رک بکند همان محله که
 پیش قدم اول دید دشمن بای حمله را دارد و خبر میدهند بعد بقیه
 مشر او لایکه بواسطه قراولان جمع شدند یکی متعاقب بقراول
 بزرگ میشوند و قراولان بزرگ همین که دیدند باز دشمن زیاد میگردد
 و پیش باید جنگ و گیر کرده بقدر امکان سیدن دشمن را باخیر
 میاندازند و خود را بقشون میرسانند و باید قراولان طایفه را

بنماید که خود را بجای سیدانزد و از حمید شوند و لازم است که
 باید اری کنند از برای اینکه شوق و اشتیاق باشند که مسلح
 و آماده جنگ شوند چو یک شمشیر شمشیر شمشیر و اگر اکند و مبارکند
 باید زنجیر قراولان او چندان نمایند تا خاطر جمع باشند و پیش قراولان
 بنام از جانی دشمن غایب شوند تکلیف کرده و در اردو بدو طریق
 یکی دفعی و دیگری دفعی کرده و دفعی انسانی باشند که سرکشی قراولان
 کل انبایند و نگذارند کسی از برای اجبار بی رود و باید این قسم گرفته
 مرکب است از سه یا چهار نفر سربار که محکوم بحکم یک نفر وکیل یا
 سرجود باشند و متوالند پیش از چند قدم از خطار بحر مشق اولان
 پیش بروند سرکاداس گرفته تا قراول را در خواب بیدار نمایند

تو فیه نماید تا خبر از قراولان رک برسد اگر این کار نه نامم
از دور و نزدیک بشوند حاجان چنان میشوند که شخص قابل و قیل را
نماید که نه رفی باید فوشن یا و ترار کرده و نه باشد با بود ایر
پس شخ اولان بیرون بروند و در شونده از برای خبر شدن
حالت دشمن و جمعیت هر کما یک کرده است یا در نظر دارد و برین
کر نه نماید مش از رقتن بدیت را و را یک و که سهولت از مش
دشمن است بروند و باید و این کار کر نه نامی می بطوری باشد
که نه زیاد و با جرات نه زیاد و کم جرات باشند و باید زیاد و با
باشد اجتناب نماید از شین و ن جنگ کردن باید که نه
داسه باشد کی عقل و کی احتیاط و دیگری جرات است و هر یک

صاحب نصیب از رک خودشان بکمره کفایت طاشان نمی یاب
باید خود با اتفاق وقت حرکت نماید و رفتار کند در میان اطلاع
حالات دشمن از برای شناسائی حالت طبیعی و غیر اطلاع کفایت
احوال دشمن معصود از اطلاع حالت دشمن کلی است که بداند
انجا جنگ میکند و نیز فهمیدن اینکه این ملک از سایر ممالک برتری
دارد و بر منفعت راستا رعمه چیست این قسم عمل متعلق است بجهان
یا سرداری که تعیین شده است نیز اطلاع دشمن و و قسم است
اولا اطلاع کفایت همه روزه انجاست مایا اطلاع دیگر از برای قسم
اول چرخ که لازم است است که همه روزه اول صبح از اردو
بیرون رود و قوتها نماید مناسب داسه باشد جمیع

خودشان را زیادهائی بآید قدری پیش اول بکند و مقصود
ازین عمل اجتناب از حد انکسائی دشمن است و گرفتار نمودن دشمن
در حق انصاف شبهه ست ششانی حرکتی است که از دشمن
می شود این قسم ماموریت باید بر مضمونی باشد و مخصوص سردار لشکر
باید کلی از جنگ دشمن اجتناب نماید و در صورتیکه مجبور بر جدال شود
اول تکلیف در مراجعت است یعنی بطوری مراجعت بکند و عقب
که دشمن چنین قصد که شکست رده اند اگر چه قصد در پایداری جدا
باقی است در صورتیکه دارد بمکانی گردید که امر شده بود باید
نماید و بقدر امکان شکر خود را نمی دارد و خود را بآید فخر از
سربازان باید پیش قدم اطلاع از حالت دشمن بهم برسد

وقتیکه این صاحب منصب این سردار ماموریت در اقصای
باید بار و دوشی و مراجعت نماید حقیقت حال در ایام که اگر
که دیده است هیچ خبر از او که از جنگ و همه پیش او لان بر
و کو چک باید بکلی و مسلح شد و مقرر باشد تا مدتی که سایر قیون
در بیرون استند قسم دوم ابتدای جنگ برک و کو چک
ازین اطلاع شناسائی حالت دشمن است از مابین معاوضه با
در خطه که جوان را انجام باید جنگ نمود اما باید زمینی که میوه
در انجام نمود تعیین کرد که از خطه جنگ ایمنی و در منفعتی حاصل
و باید ملاحظه نمود از اینکه باید عبور نماید خرمی بقتی یا آنکه خراب
شده است باید سعی نمود در ملاحظه نمود که چگونه در اد بوده است

دشمن و راستی که کرده است یا خیر از برای این قسم اطلاع می یابد
 یک صاحب منصبی را که بشویر انتخاب نماید که مرکب از چندین قسم
 قشون بهر احوالی باشد در صورتیکه رفیقان و اقارب و بیگانه
 و چکل و سایر موافقات طبیعی اطلاع سر دارند بهند اگر ممکن باشد
 راسی غور نماید که موافقات و راز باشد با این قشون که یک
 بجه اطلاع می رسد و نیز همیشه و کل باشند تا وقتی که از پیش دشمن
 مراجعت نماید در صورتیکه صاحب منصبی را که این جمع است قابل
 و با احتیاط باشد می تواند بدون جنگ احوال دشمن مطلع شود
 اینکه یک تیر لشکر انداخته شود و زمام که این قشون باید بجای برسد که
 قرار داده شده است بزرگ آن جمع حکم توقف نماید و بگذرد

راز و لایات و دانات قریب آن مکان ایستاده و در می یابد
 جمع قواعد مزوره و کیفیات تجارت از راه و طول و ساری و فاصله
 دانات و شهرها و شناختن بهاء و غنی های بی شایان اینها
 از یکجا می آید و یکجا می رسد و مخفی اند نوشته که این لایات با دانات
 بود یا مخرب و ملاحظه می کند زمینی که در آنجا رزاعت نماید پر قوت است
 یا کم قوت و خرمایی که در آن لایات می شود از او میان رعایا
 آن لایات می رسد و می نویسد که جمیع قشون و لایاتی چه قدر است
 و چه قدر اسب اسباب پیدا می شود و چه قدر کار و کوشش و چه قدر
 عراده و چه حمل نقل پیدا می شود و آن صاحب منصب نقشه تجارت را
 با همه اخبار و ملاحظات با کمال دقت اطلاع و این نقشه نماید که

دار و بجهت سر دار کل سائر قشون قاعده کلیه حمله باین مأمور
 یک نفر صاحب منصب مهندس باید رود و بجهت کار نامه تعلق است
 و بزرگ این مأمورین پیش از آنکه از اردو و مخیمه کیمیند و میروند
 باید از سر دار کل قسار نامه خاطر جمع گیر و آن قرار نامه را
 باید درست بنهند و درست نگاه بکنند به تفصیل سر باران که جز
 باشد و یک دور بین بکیر و بهر اهری و شش بجهت اقرار رعایای خود
 ولایت که بلد و لایست باشند و توجه و مواظبت بعمل بیاورند و این
 اشخاص که برای خود میر و ضامن بکیر و که کیفیات راه را درست
 نشان بدهند و تعیین کیمین کردن قشون میدهند که عادت بکیر
 مکره است کیمین کردن ایشان شکل است بزرگ اهل کیمین باید

محتاط باشد که خودش بکشد و شمن بخشد و کرفتن اول شمن و نیز
 کرفتن جمعی که از اردو بجای میروند و خاص کیمین کرفتن کاروان است
 و باید ملاحظه کرد که محل کیمین بین اینجا با سلسله کانی چه قسم است
 و کد ام اسلحه در آن مکان با فایده خواهد بود که پیش از آنکه شود
 لشکر کیمین بجهت کیمین مأمور است باید شب برود و باید از راه ج
 محل کیمین و لشکر برود و بجهت اینکه سر کاره در این راه بر خورند بکسی
 آنکس مخفی نداند که بجای میروند و فریب نخورند و بدین اسلحه و
 اینجه اشخاصی که در این راه بر میخورند بشنون لغت و مطلع گردند
 که بچه خیال بکند امست میروند و موی که بجهت کیمین میروند نباید
 بالا با بجان مسج و ج طبل و شیور و غیره بزنند که مباد بکسی

غیر شود و همچنین باید همه قتل حال کنند و بدو نیکه بایک
 هیچ وجه تکلم شود باید بطوری کند که از ایشان صدائی بیرون نیاید
 و همچنین باید همراه ایشان از چهار زبان مطلع باشد تا صد انباشد
 که بواسطه صدای چهار زبان دشمن اطلاع بهم برساند اگر مالی باشد
 که وجود آن لازم باشد باید اسباب خود را می کند چنانچه این عملی است
 جمعی از سربازان که بجهت کین میروند باید همراه ایشان سربازان
 باشد و پوشیده شود بواسطه سربازان سربازان را باید حمله
 در اطراف خود جستجو و تفحص باشد که دشمن در جایی پنهان نشده باشد
 که دشمن در کین آنها افتاده و سیکه دشمن شود دشمنان را
 سرکشی که درین راه بر می خیزد و سیکه نموده و در پیش او

و قراولان باید توجه شود اشخاصی که از دشمنان شناسیده است و از آنها
 و اگر لازم باشد بخیر نموده که ایشان را هم بنبذند و در کین کین کردن
 محل کین کار را اینگونه انجام بدهد که در کین محله باید ملاحظه زمین انجام بدهد
 بنابرین من شرطی که اقتضا نماید در آن محل کین نماید هر لایحه که محل
 کین دارد باید تفحص نماید و مقام خود را کین کند بجهت کین کردن این
 دره و امور و بخت و مورد و زمین که حاصل در دست و در دست و در دست
 که علف بند داشته باشد تا بتواند در میان آن علف بکین نماید
 حیاب را می کین با مصرف است و بر می خورد و باقتضای وقت هر که کم
 بهتر است محل کین را در دست و بجهت کین با مصرف و باقتضای وقت
 شود بجهت کین وقت و باید مرتب شود بصحی که در هر طرف دشمن بتواند

حمل نماید و در صورت امکان از او طرف لازم است موصوفه
 نامور بکنین باشد هرگاه سوار باشد باید در عقب باشد که از صد
 اسب نامی آن و شمن اطلاع بهم رساند و عهد نماید که از حصار
 و غیره غلبه حق را در آن کند که از بابت سده اسب شمن خبر داد
 بشود و باید کمال مواظبه را داشته باشد که چیزی از ایشان ران
 در میان نماند و باید در محلی که خیال کین کردن او از او خارج
 محل رفته که هیچ نشانی از صفون ران محل نماند اگر ممکن شود
 در روز قشون که در محل امکان است باید نصف آن را راحه
 لیکن شب جمیعاً بحالت نظامی باقی باشند و فطریه نشان اجاب
 مبارک خودشان قرار گذارده اند باشد سربازانیکه در میان

نباید مطلقاً از مکان محل و حرکت نمایند لیکن هر وقت بزرگان
 مصلحت بداند از آن ریزون متن میدهند قشونیکه بجهت کین و شمن
 بزرگان باید نشان مخصوص بان داده باشد چنانکه سر و آرا
 هنگام حمله کردن اوانست اخبار میدهند از میل طلب باشند و یا سیک
 منجنیق این اخبار جمع سربازان باید یک مرتبه شمن شلیک نموده و بعد از
 شلیک کردن همه سربازان باید بدو نایک اعتمانی بحالت شمن
 بنامید باید همه اقل قاتل از یاد ببرند که در حمله اول شمن در ترس
 افتاده و اسب سده شود سربازانیکه در کین میباشند باید
 بایکدیگر متفق باشند تا بدین اسلحه شفت زیاد میستند به اشخاصی که
 در کین میباشند باید اول تیریه و در آن آذوقه خودشان هر چه

یکه که در آن محل هیچ وجه محتاج و مصلحتی نداشته باشد جنگ
 فخران بسیار مفید است و در جنگ میتوان کار برد و چون که جدید
 باشد و من گزیده باشد خواص فخران در یک قشون شایسته
 پیشتر اول است و قشون بطوریکه بعد از این که خواص را هم کرد
 فخرانیکه در جلو قشون است با یک اش ستم نموده از لشکر دشمن
 تلف نماید و قوت دشمن را کم نماید سرگاه و در یک حمله قشون دشمن
 قراولان اشکوت داده پس آید یک جمیع بر کار فخران بیرون
 می آید از قشون بجه پوشیدن و شبان غالباً موافقه دارند
 از اینکه صدمه ای دشمن را دریاورند و از ایشان یا تلف نمایند
 و نظام دشمن را بر هم ریزند فخران را میفرستند و بیرون بجای آن که

دشمن را احاطه نمایند از اطراف و هیچگونه قشون دشمن تکیه کرده باشد
 یکی از موانع طبیعی را این صورت قشون می تواند بحالت قشون
 پیشین قه پاد بحالت زنجیر برود فخران را این صورت خواص را
 و حملی از قشون که فخران میشود باید مس زنجیر به یک خروار
 قشون عقبه میشود برای اجتماع فخران برای دشمنی و برای
 این عقبه کوچک باید همیشه در یک موانع طبیعی می آید باشد و این
 موانع باید بطوری محب شده باشد که دشمن کام حمله نتواند
 پدیدار نمایند و پس از قرار دادن عقبه کوچک یک عقبه بزرگ
 لازم است این عقبه بزرگ باید اقلاً ربع قوت قشون را داشته
 باشد که بجز فخران نباید سرگردان شود و در صورتی که اسلحه اندک

امدادی بجهت فخران لازم شود تا آنکه فخران امداد نماید
 هر شوی که قشون در حالت جنگ نزدیک دشمن میکند باید رود و اطرافش
 از فخران پوشیده شود اگر دشمن قشون یا دودخانه یا دیر فخران
 بجای از جلو دشمن رود که روی قشون باشد و برای آتش کردن
 بطرف دشمن قشون فخران بر تپه‌ها و در حالیکه فخران در جلو
 قشون بمقی میرود و سرگاه و دین او باقی رسیده و بجای رسیده
 نموده که بواسطه دشمنان او را بجا نماند که باید ایستاد و دشمن
 حمل نموده و تیراندازی نماید هر قدر در این وقت مانعی باشد
 بجهت فخران بسیار مفید و از برای دشمن محل خطر است و کسیکه
 فخران بجهت صد روز دشمن میرود و باید ساید که از روی از آن

دشمن حمله کند و حرکت تیراندازی است دشمن بجای نماید تکلیف
 فخران در حالیکه دشمن در آرد و باید فخران عقب نشیند و هر یک
 دشمن عقب نشیند باید فخران در آرد و دشمن و فخران باید
 بجای بکند و از برای دشمن که موافقت طبعی شده باشد و دشمن از پیش
 برساند که موانع داشته باشد و سرگاه و در حالت او دشمن نمی که
 مسطح باشد برسد باید در آن محل نظام گرفته با نظام حرکت نماید
 و سرگاه و بار بجا برسد که موافقت طبعی شده باشد و در این صورت
 نظام لازم نیست و در نظام جنگ هر یک فخران تواند پیش او
 دشمن اشک و عقب نشاند و نزدیک قشون سد باید ایستاد
 صبر نماید تا آنکه قشون از عقب سد و دست با دشمنی در پی نیاید

اگر نجران در فنی باشد که ترسش باشد از جهه سوار دشمن باید در آن
 محل جمع شده بحالت گروپ متبذبی بگذرند و در سر جانی که خوفناک است
 داشته باشد که و ب باید که و الا بحالت زنجیر مشوند و هر یک
 نجران با قوسا بگذرند و نجران را بستن باید که و نجران را
 پائین بگذرند و آتش دشمن نهانند که صد سوار دشمن را در بینند
 بعد از که دشمن از گدازی ایستند و دشمنان میزند و صبر می کنند تا
 قشون سد بعد از آنکه قشون سید عقبه نجران یک صف متعی میشود
 بجهت که دشمن نجران از دره معلول میدارد و حرکات خود را همین قسم که
 از برای تکه مذکور است ختم اگر در تکه یاده دشمن یاده باشد
 در در وقت داشته باشد اوقت عقبه بزرگش از نجران آمده

تکه یاده و یا دشمن جنگ نموده تکه یاده را بر دراز دشمن بگذرد
 بعد از آنکه گرفت قشون نجران اخل تکه یاده شده از بالای تکه
 تیر اندازی دشمن نمایند و هر یک یک قشون جنگ و گریز میکند اگر
 نجران پیشین اول قرار دهند و بگذرند و قشون از
 تکه گذشت چند نفر در آن سمت تکه می ایستند و در حرکت تکه
 همه نجران را بگذرند و در وقت حمله و دانه نجران صاحب منصب
 نجران را می باید منصب آن حرکت به بقا صلا که متر شد است
 بواسطه بی نظمی در فاصله نجران دشمن می تواند بطور سهولت غالب بر
 نجران شود جنگ کردن نجران را که بهتر است و همچنین در سایر
 مواضع طبیعی تکه جنگ کردن نجران بسیار مفید است

در جنگ محاصره میشود و قشون باید با قشون بخران رود و محاصره نمواند
 کند و قشون شمن از سر طریقی بماند و در نهایت در تعریف جنگ
 نمودن رکوه در جنگ کردن که صاحب نصب کل باید قشون
 بیک نقطه در کوه جمع کرده که قشون بایکدی مکتوب باشند سر کاه
 قشون متفرق شود و بگوید باده بواسطه آنکه کاهداری بخارا نماید قشون
 دشمن بجهت صفای کوه کل می تواند کل لشکر را شست و در ولایت کوه
 حمله مواضع خوبی دارد و بجهت قشون لکن باستانی متواتر اطراف کوه
 احاطه نموده از شش دشمن محصور باشد و باید راه های سان که مینویسند
 آه و رفت میشود کاهداری مضبوط نمایند که قشون شمن تواند صدقه
 بر شکر برد و حمله کوهی را مستحسان بکنند بجهت قشون باید و قشون

سر کوهی که بزرگ تر و بلند تر از کوه های دیگر است رود را در آن
 محل قرار داد و همچنین او را میانی کوه را بجهت از سر مست معین نماید
 بجهت آنکه کوه های دیگر را در میانه کم و کجک دارد بواسطه آنکه از
 آبادی و رستند و کمر محل رود را بجا می شود و باید یاد داشت کرد که
 این او را بیک در کوه یافت میشود بجهت خوب است از برای توپ
 و سوار خوب است آنکه مخصوص ای پاده نظام با مصرفات و
 همچنین سردار کل قشون باید ملاحظه نماید که چگونه کل و در آن محل یافت
 میشود و بجهت قسم است و همچنین دو خانه بیکدیگر قریب بان محل میباشد زیرا
 آب دارد و بیک آب است در اطراف آنکه فانی کل باید اطلاع بهم
 برساند که شهری یا قصبه یا دهست را سبب طرد قشون را بجا

یافت شود و قشون دشمن را انجا میباشند یا آنکه انجا نامتعلق قشون
خودمان است و بجهت قسم در آن محل قشون جنگ نمودن منوط است
یا آنکه موانع طبیعی دارد و مکان نیکه یا بد است یا در دره یا بر سر
دژ یا خوب یا قبیله دشمنی و در آن محل مگر آنکه بالا و اطراف
این کوته و دره یا در تصرف خود لشکر باشد کجای جنگ در کوته یا بر سر
و خوب است و یک صاحب منصب یا شور بافر است یا در جمیع مواضع و احوال
و منافع آن سرزمین اطلاع بهم رسانیده باشد بعد از قشون در هر مکان
باشد در تعریف جنگ و احوال آن جو احوال آن قشون جمعی است که
استجاب کرده و میزند و همه اوقات در اطراف قشون نگهبان میباشند
و این جنگ و سب و احوال آن همه قشون دشمن خطرناک است این موا

خداوند که نباید جنگ بزرگ نماید اما همیشه نزدیک باطراف قشون
میباشند و بجلد می چاک می حرکت را معمول میدارند و غلظت بر سر
دشمن میروند و همیشه قشون یا در دره و این موا احوال آن مرکب است
از سواره و پیاده و عمارت و حکم یک صاحب منصب یا شور میباشند و این
موا احوال آن همه در میزند از آنکه غایت راه و منازل و شخصی
راه را که در اطراف و احوال آن محکم است که در انجا جنگ میشود
اطلاع بهم رسانیده باشند بطور سهولت صد مائت کلی قشون دشمن
می آیند و از پیاده و سواره هرگاه بر خیزد و خیراتی از قشون دشمن که دور از
قشون است او را باشد مثل که محل او و قبیله دشمنان بخوانند بمانند
یا محل قورخانه و غیره در این رت با کمال حرات و پانی اری باید

جنگ نرود احوال احوال احوال ایشان بکینه و ایشان از یکدیگر
 متفرق سازند بگو یا بجای دیگر که باستانی توانست جمع شوند و بجای
 حرکت نموده خود را بقشون فرستاد این گات سواران بر
 داده شد و بجای اطراف و ساکنین آن بلدی که در آنجا جنگ شود و آب
 او قاتل سوار و پادشاه و پادشاه و بعضی اوقات بلا حذر زمین میاید
 و قاتل سوار و پادشاه است در آن مکان پادشاه و پادشاه و پادشاه
 میاید و این احوال آن احوال و پادشاه و پادشاه و پادشاه
 خود دست برد بقتل دشمن میسازد و هر چه از دشمن بقتل
 مال خودشان است و دیگران ابرار مال را بر می خیزد و سرگام و سرگام
 باشد که بقتل دشمن میاید پادشاه و پادشاه و پادشاه

سواران با یکدیگر کین و در جانی تخاب نماید که تواند بطور سوت و قتل
 بجای که یک از دشمن دشمن میاید و کینه پادشاه و پادشاه و پادشاه
 میاید که یکدیگر خریدند و پادشاه و پادشاه و پادشاه
 پادشاه و پادشاه و پادشاه و پادشاه و پادشاه و پادشاه
 و پادشاه و پادشاه و پادشاه و پادشاه و پادشاه و پادشاه
 میاید و پادشاه و پادشاه و پادشاه و پادشاه و پادشاه و پادشاه
 برای که قاری دشمن دشمن باشد و پادشاه و پادشاه و پادشاه
 دشمنی که یکدیگر جنگ سواران دشمن شده اند و پادشاه و پادشاه
 و پادشاه و پادشاه و پادشاه و پادشاه و پادشاه و پادشاه
 باشد و پادشاه و پادشاه و پادشاه و پادشاه و پادشاه و پادشاه

بجهت جنگ موافق انداخته شود قابل رنج باشد و الا نمی آید
 موافق انداختن جنگ کند و موافق انداختن لشکر چون نظام ندارد و لازم است که
 چند فرمان را بشنود و بگوید از آن جهت من این را میگویم است راست است
 بجهت جمع شدن بر طرف که نخواهد صاحب خصلت این موافق انداختن باشد
 پیش از آنکه برسد و شمشیر و خنجر و محمل انتخاب نموده بایشان نشان بدهد
 از آن محل پیش باشد اگر دشمن است شکست بدهد و یکی در عقب باشد سرگاه
 از دشمن بگردد که در هر صورت متفرق نموده و یک جا جمع شوند بسیار
 به موافق انداختن از سر باران نظامی میدهند و باید سر باران از جانب
 نمایند و سر باران قابل رنج باشد و کلی این موافق انداختن مخارجه
 در جنگ هر کس که نخواهد با دشمن جنگ نماید در وقت که موافق انداختن

از سر باران نظامی شدند جنگ موافق انداختن نظام می باشد از سر باران
 نظامی در وقتی که موافق انداختن قرار میدهند که در آن محل عینت ساکنین
 قریه یافت شود در تقریف راه دشمن قاعده راه دشمن معلوم
 بملاحظه نمودن این که زمین صاف باشد چون سیرود با ستون پوشیده
 ستون اسطسوار نظام و سرگاه زمین معلوم شده باشد باید پاد نظام
 سوار نظام را بپوشاند و در یک زمین باید پوشیده و در خانه و سایر اسباب
 و فرودگاه لشکر پوشیده شود و با اسطسوار نظام هر یک یک قشون بجای
 ستون در راه باشد باید چند نفر حمله از سر باران کاره کارکنی باشند
 که همه کاه پل را و یا چرخهای که در سر راه قشون باشد و عبور قشون
 داشته باشد درست نمایند و اسباب کار باید بهر آن که لازم باشد

اگر لازم باشد سرگشتی را و فصل تبستان با مری نماید در صورت
 ماموریت شب بیدار خلی سوا باید حرکت کند در محلی که کان زمین سرود و در
 صبح حرکت نماید و از رودخانه بی نیاید عبور کند در صورتیکه یا در تنگ
 بگذرد و بهر این است که صبح عبور نماید و پل بسازد یا هر چه که قیاس و چاره
 یا تحسین یا عراوه و زود بسازد که مطلق حاصل شود اما باید اسباب
 و ظروفات قبل از این باشد یعنی در جنگ که غنی از مردم و
 بلکه بعضی اسباب ضرورت است که باید باشد که باشد و سرکار و در جای
 قشون را و است باید بر حسب حرکت نماید اگر لازم باشد ارامی بهر
 قطع مسافت شود و در صورتی که کان بر بخورد و زمین نماند سرکار و چاره
 و تندی حرکت شود و خوشان مال خسته شوند و صد نه بخورد با این

اگر دشمنی خورد طوری که باید جنگ کند و فتح نماید خواهد شد سرکار و دورا
 یافت شود یک صاحب منصب یک کل باید و سران او توخت نماید بجهت
 اگر سر باران زمین بجهت که اگر که ام طرف باید رود و این صاحب منصب الله
 باید باشد تا کلیه قشون بگذرد پیشتر اولان هم بگذرد و سر و قشون
 از یک بگذرد باید از اطراف آن خاطر جمع شود که قشون دشمن در
 اینجا نماند باشد و جمعی از قشون کل و سلم می یستند تا کلیه قشون
 اسباب ضرورت ایشان بگذرد و بسا و اینکه قشون بقیه دشمن استند از
 نماید سرکار و قشونی را بر سر حدی ولایتی میوند اگر از صاحب منصبان قشون
 کسی باشد که اطلاع از آن او داده باشد خبر برسد و رسید و الا
 سر و کل تا بیکر این خبر را معلوم نماید که از بهر قشون قسم او یافت

میشود و این جور قشون را بچگونگی باطلان در ده و گوه و پنهان میباشد و اوقات
 و قیامت هم در راه است طول ساف قشون را بچگونگی که در پنهان میباشد
 و باید اطلاع هم رسانید که زمین انجا چه قسم است از پنهان بچگونگی سایر مواعظ
 باید عبور شود و یا از زمین صاف و در راه بچه قشون می تواند حرکت نماید
 و که ام یک از ساربان و در دو یا دو و قیامت میشود و همیار اطلاع
 سردار کل باید هم رساند که در راه سطل و حتی بچه قشون حاصل شود و در
 شش قشون سه خیمه و میباشد سیر اندازی چاکلی نظام راه و قشون
 قسم است یا شش قشون یا عقب و یا بطرفین که قشون را موضعی برسد
 که نباید حرکت نمود پس قراولان هم حرکت نمی نمایند در راه و قشون عقب
 معده سرستون یک پیش او سله دارد که دشمن نمی گذارد از عقب مانده

شود و یا اذیت نمایند تا اینکه قشون یک موضع خوبی را معین نمایند سرگاه
 قشون را در شش چلو باشد و طریقه که روی دشمن است باید پوشیده شود
 از یک بجز خیمه ان در زمین تمام محله زمین است که از چلو قشون
 در ان زمین نرم است سر و قشون که بجای قشونی در نزدیک دشمن
 حرکت نمایند نظامی که بهترین نظام باشد و همچنین مامور کل
 افواج را بحالت قشون بجاورد بسیار مفید است در جاسوسان
 پیش اول سر که یک قشون عبور از ولایت دشمن نمی کند تا آنکه انجا را
 راه نامی انجا را حاصل نمایند دوم در چمن زمین سطح این بخش محل
 بواره میباشد و زمین متقطع از قبل در ده و پنهان و سایر مواعظ برپا دارد
 نظام مرجع میشود سرگاه جاسوسان پیش قراول جمع باشد بکار

سیه یا چهار تقریبی برده باید ملاحظه وقت نمایند یا در پیش و در اطراف که
 پیش اولان که معلق بخودشان است نخورند و از نظر ایشان غایب
 نگردد و خود جاسوسان هم باید سرگزاریکه یک خارج شوند و همیشه بار
 همیشه بار امی خا اموشی حرکت نمایند و بطور امکان پنهان میروند و همیشه
 یکدیگر را متوجه میشوند و در روز و شب و هر بلوغ و پنهان و غیره اگر در میان
 سطل که دشمن را بینند خبر میدهند بفرمانده پیش اول خود و پیش اولان
 مخفی شوند یا آنکه در جایی مخفی روشن میشوند سرکاره این جاسوسان که هماره
 شوند باید بجه اخبار پیش قسم اول تیر اندازی نمایند و سایر وقت نیاز
 سرگزاریکه میدارند و در وقت شب اولان ندارند که پیش قراول یا در
 دور شوند یک پیش قراول سرگزاریکه یا یکدیگر غیره میشود اگر

جاسوسان هم پیش قدم باشند و خبری را ایشان میدهند باشد باید صبر
 نمایند تا خبری رسد و میگویند که قشون دشمن جاسوسان را گرفته باشند و در
 کهن پیش قراولان شده باشد تکلیف پیش قراول را حالت او در قشون
 و یکدیگر قشون شده باشد پیش قراول مرکب از هر جوشون قشون خانه
 باید نسبت است باشد به لشکر که زیاد ی قشون شرف قشون پیدا
 باشد و این پیش اولان یک پیش قراول یک را امور نمایند پیش اولان
 زنجیر و رطل و تسمیه و از خودشان چند نفر انتخاب نموده بجا سوسی می
 بطوری که در پیش گزیده و بعد این پیش قراولان مناصب نمایند بجه
 جمعی قشون بطوریکه در پیش گزیده و پیش قراول باید همیشه یک راه نداشت
 داشته باشد که راه مافی نما را باید بطوریکه در وقت فرار به راه نماند

او بخواست فرزند نماید باید این را در غایت راه را خوب بداند
 بتول این امان را باید عرض کنند در راه پیش اول خبر میکرد از
 کسی که در راه طاقت میکند از دانی یا سافیا از سر بارانیک از شون
 دشمن فرار کرده باشد سر به اخبار پیش فر اول پیدا میکند پیش سر در کل
 که سردار از غیبت دشمن اطلاع بهم رسانیده باشد هر وقت یک پیش
 فر اول یک ده توقف نمایند و فرماید پیش فر اولان پس بنده
 این را بطلبید و از آن جا میاید از حالت دشمن از اطراف آن
 پیش فر اولان چادر و راحت می نمایند تا اینکه دستا گرفت آن و
 جمع شوند در حالت ادرقت و مسکین پیش فر اولان سند مرد و راه
 یک صاحب منصب نماید با یک کل بر سران را تا آنکه شون برسند و

بر دو جا برسد که پیش آمده باشد یا راهی که خراب باشد باید بان
 عهد دانی که بجای ایشان است آن پل را راه را تعمیر نموده درست نماید
 تا وقت رسیدن شون مطلق حاصل شود هرگاه در بین او یک و ده
 برسد پیش اولان ملت میکند و در توی آن راه میروند تا آنکه اطمینان
 دست از آن راه بهم رسانند اگر دشمن در آن مکانی برای خودشان
 تعیین نمایند بجای جنگ نمودن و در لشون دشمن اخبار نمایند و
 لازم باشد اخبار نموده بک و گیر کرده است است عقب میرود بطوریکه
 شون دشمن مت و است باشد که مسلح و آماده جنگ شوند پیش
 فر اول میاید و در راه بازمی رود و بالا بچسبان و در فیکه برسد
 داخل شهری میاید و رسیدن آن چنان در این جا بطل و شور را میزنند

و در سایر جا بنی برسد حاصل پیش قراول از قشون معلوم است که پیش
 سرکاه قشونی بخوانند و آگاه جنگ شوند ملاحظه نمایند که چه قدر قشون و
 لازم دارد برای آگاه شدن جنگ و سایر کاه قشونی یک ساعت وقت
 لازم داشته باشد که مسلح و آگاه جنگ شود پیش قراولان یک ساعت قبل
 قشون شروع بجنگ نمایند و ملاحظه کرده و پیش و عقب قشون قراول
 در حالت راه رفتن پیش قراول ترکب است پیش قراول که در سابق
 ذکر شد اما بجهت اینکه قشون عقب قدری خوار و منحن شده باشد
 قراول اقرار میدهند و عاید و دیگر هم دارد که ذکر میشود و جمیع پیش قراول
 باید که از پیش قراول باشد اما پس قراول هم باید ملاحظه نموده و آگاه
 مواظب بنمایند از عقب و اطراف خود و گاه گاهی می آید و ملاحظه نمایند

که دشمن از عقب رسد پس قراول توجه می شود و ملاحظات قشون او
 بر باران نموده قشون او و عقب بنام و قشون عقب حرکت میکند
 در روی دشمن ران و کالیف رخت پس قراول آگاه میشود و در این
 صورت پیش قراولان جمیع خود را زیاده نمایند و این پس قراولان
 باید از سر باران عقب کرده باشند بجهت اینکه پس قراولان باید زیاده
 محاط و با حراست باشد و یکدشمن پس قراولان حمله نمایند این پس
 قراولان حالت نموده جنگ نمایند و کم عقب می نشیند و فرامده کل
 قشون اطلاع میدهند سرکاه قشون دشمن آگاه باشد و توانست برود
 این را باید پس قراولان فراریای قشون ایستاده و نمی گذارند که
 چه از آخر قشون چه از آگاه عقب بنام قبل از آنکه قشون حرکت نماید

فرمانده کلیه حسیات قشون اینستند و پیش اگر خفا پیش
داشته باشند و رعب بمانند و لیکن رپلوی قشون بهتر خواهد بود
از همه جهت تکلیف کاروان نظامی پروی کاروان نظامی کار صعب و
و شکلی است بجهت اینکه کاروان نظامی همیشه در خفاست از کین دشمن
و موافق انان دشمن محارقات انتظار بکنند از بجهت دیگر و سکر نمودن کاروان
نظامی بجهت اینست که کاروان نظامی همیشه در رعب قشون حرکت
جمعی که با کاروان نظامی حرکت میکند باید مناسب داشته باشد یعنی
و کیفیت راه بطور هم رتیب داده شود که بتواند یکدیگر را کمک نمایند
و اول کاروان نظامی کیش از پناه و نظام مستند اما قدریم از راه
نظام میباشند و این سوارکان بیرون از پیش از رعب و از اطراف

که با او دشمن کین کرده باشد چون که کاروان نظامی از دشمن یا خوف
دارد ازین جهت است که قشون از پیش و پس پیش قراول پس قراول و
هرگاه پیش قراول پس قراول سوارکان یکا سوسن رجبی دشمن نمیداند
بدشمنی خود و سیک نمیداند و سیک اول کاروان نظامی نمیداند و بجهت
جمع میشود بطرقی که در زیر یکدیگر باشند و سر قدر که تواند نمایند فاصله در
مابین آنها زیاد باشد جمیع کاروان متوجه میشود که کاروان است دشمن حرکت
نماید از ترس اینکه با او دشمن یکدیگر داشته باشد و از ترس یکدیگر جدا
نمایند فرمانده جمعی که همراه کاروان است قبل از آنکه از ترس خود حرکت
نماید احکام لازم را بجهت کس میدهد و بان شاخص میماند جای خود را
در و تمیز بدشمن بخود نمیدانند از آنکه اگر کیفیت راه خود را فرمانده مطلع شد

باشد و جاسوسان هر وقت باید در اطراف به تعقیب باشند در حالیکه جمعی
 از مشوقین شش جنگ و گیر کرده بقیع رود باید متحفظان روان نظامی متب
 دشمن زود می شود و حمله کرده باشد و متحفظان از حریف داده شوند گیر آورند
 که آتش بسته باشند و کاروان اوس گیر نمایند هر وقت که دشمن بکاروان
 نظامی حمله نماید بجای گت نمایند پس را این رت باید قراولان کاروان
 نظامی همیشه حاضر باشند که در حمله اول دشمن امانت نمایند بعد از آن
 بجای دیگر کاروان از حمله دشمن خلاصیافت برودی سرود که یک طایفه گچی
 سپه انانید که یا اطفان خودشان شود از برای لایزال این
 قصره اسان است از سایر ممالک بجای آنکه عرض عاده چهار پان مل
 و نقل شود و قیقه کاروان نظامی در راه یک تکه برسد بطریق دیگر
 که در راه رفتن کشتی و سواره و پیاده کاروان قراولان کاروان نظامی

که در راه رفتن کشتی و سواره و پیاده کاروان قراولان کاروان نظامی
 بجای سببی اطراف تکه و ماسور و پیاده میروند کاروان نظامی کاروان یک
 شده هر وقت که خبر از جاسوسان سید به پیش حرکت نمایند و بجای میروند
 که از مواضع مذکوره بگذرند و برین عوار برسند بجای آنکه اگر در ده و تکه و
 ماسور نماید خوف دارد و بجای آنکه ماسوران رین مواضع پشرازی
 مکان ناکین نمایند و حمله بکاروان مهورت می تواند نمایند هر وقت که کاروان
 کاروان نظامی همراه خود قراولان داشته باشد در آن وقت جای
 کاروان اجبرای شوند کل قرار میدهند و غن نمایند و قراولان مخفی
 میکارند که در آن محل غلبان آتش بزنند و کس که بجز این قراولان
 قراولان نمی در آن محل آمد و رفت نمایند که صاحب منصب کل بجای میروند

اختتام و انجام
و اتمام یافت کتاب بیون الملک الوهاب

بید خانی را و دوله سادات محرمه

خان لدرم جم حاجی محمد باور

بیکری قاجانی سه هزاره

و دویست نود و یک

ارجمت

۱۲۹۱

قریب کا جوہر اس قدر شریف
 غنیمت خیر جوہر ازاد
 علم عالم غفور ہر پیر پر حرم لکھا و منند
 رشتہ یمنز بعد از کھسب علم در در سے دار افسوس
 دفتر کائنات شریف کمال در دیار از شریف کمال
 دیا مروت با غور صحت آن کو شمع جوہر ازاد
 صرف فرات ناقہ غنیمت در دیا از انظر غنیمت
 در دست موحس بر این دوسو سالہ در دیار ازاد
 ہای با کمال شرف کمال در دست غنیمت
 علم عالم غفور در دست است اسرار غنیمت
 در دفع اہل کمال فراموش موحس دوسو سالہ در علم ازاد
 غنیمت جوہر کمال در در کمال غنیمت
 انہا از انظر غنیمت کمال
 محبت غنیمت کمال در دست غنیمت
 اہل کمال غنیمت از انظر غنیمت



